

### متن پرسش

سلام علیکم: هگل به ذات انسان و روح کلی بشر بدبین است و خوشبینی و دیدگاه مثبت ندارد؟ در بحث فلسفه تاریخش هم بنام گایست مطرح می کند علیرغم اینکه می فمهد حوادث تاریخ یک جایگاه و سیر و روح خاصی دارند و یک سری سنن و اصول در تاریخ و حوادث هست، ولی این نگاه بدبینانه به ذات بشر و انسان غلبه دارد که خب او مسیر تاریخ سازی در سه محور انتقال گرایی، جبر گرایی و بودن و قرار گرفتن در بستر زمان و تاریخ خاص خود خلاصه می کند در صورتی که مثلا در نگاه توحیدی اسلام ما بشر را خلیفه الله دانسته و دارای ظرفیت روحی مجرد و وحدانی می دانیم که با اختیار می تواند آن را به شادابی و تعالی برساند پس تاریخ سازی، بسته به جبرگرایی نیست بلکه بر اساس اختیار بشریت است که اگر در هر عصری متوجه عهد بشود و عهد الهی را در آن تاریخ پیاده کند، به روح متعالی تاریخی می رسد که تاریخ ساز می شود و به استعلا می رسد و خب با این نگاه شخصی مثل هگل مغایر است به نظرم و با نظر او به ذات بشر.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اگر بخواهیم هگل را با اسلام مقایسه کنیم، می توان آن طور که فرمودید اندیشه را ادامه داد ولی اگر معتقد باشیم تفکر، تاریخی است و باید ظهور وجود را در اعصار مختلف دنبال نمود، هگل متذکر امری از نحوه ی نگاه تاریخی به عالم می شود که پس از آن، هایدگر و گادامر در پرتو نگاه تاریخی هگل توانستند تا این جاها پیش بیایند که «فاهمه به نحو ریشه ای تاریخی است» و یک قدم از آن که انسان ابژه باشد، جلوتر آمدند که البته این نوع بحث ها باید در حقیقت و روش گادامر دنبال شود که چگونه از یک طرف از هگل استفاده کرده است و از یک طرف نظر را بیشتر به «وجود» انداخته است. موفق باشید